

به نام یزدان پاک

همه سوال‌های

مطالعات زنان

حقوق زن در اسلام

(جلد ۲)

۱۳۹۳-۱۴۰۳

تالیف و تدوین

گروه مولفین حدیث پرداز

فهرست مطالب

۷ حقوق زن در اسلام
۹ پاسخنامه حقوق زن در اسلام
آزمون کارشناسی ارشد مطالعات زنان ۱۳۹۲	
۱۹ حقوق زن در اسلام
۲۳ پاسخنامه حقوق زن در اسلام
آزمون کارشناسی ارشد مطالعات زنان ۱۳۹۳	
۳۴ حقوق زن در اسلام
۳۷ پاسخنامه حقوق زن در اسلام
آزمون کارشناسی ارشد مطالعات زنان ۱۳۹۴	
۴۸ حقوق زن در اسلام
۵۱ پاسخنامه حقوق زن در اسلام
آزمون کارشناسی ارشد مطالعات زنان ۱۳۹۵	
۶۰ حقوق زن در اسلام
۶۳ پاسخنامه حقوق زن در اسلام
آزمون کارشناسی ارشد مطالعات زنان ۱۳۹۶	
۷۵ حقوق زن در اسلام
۷۸ پاسخنامه حقوق زن در اسلام
آزمون کارشناسی ارشد مطالعات زنان ۱۳۹۷	
۸۷ حقوق زن در اسلام
۹۰ پاسخنامه حقوق زن در اسلام
آزمون کارشناسی ارشد مطالعات زنان ۱۳۹۸	
۱۰۱ حقوق زن در اسلام
۱۰۴ پاسخنامه حقوق زن در اسلام
آزمون کارشناسی ارشد مطالعات زنان ۱۳۹۹	
۱۱۳ حقوق زن در اسلام
۱۱۶ پاسخنامه حقوق زن در اسلام
آزمون کارشناسی ارشد مطالعات زنان ۱۴۰۰	
۱۳۱ حقوق زن در اسلام
۱۳۴ پاسخنامه حقوق زن در اسلام
آزمون کارشناسی ارشد مطالعات زنان ۱۴۰۱	
۱۴۹ حقوق زن در اسلام
۱۵۲ پاسخنامه حقوق زن در اسلام
آزمون کارشناسی ارشد مطالعات زنان ۱۴۰۲	
۱۶۲ حقوق زن در اسلام
۱۶۵ پاسخنامه حقوق زن در اسلام
۱۷۴ منابع

مطالعات زنان ۱۴۰۳

حقوق زن در اسلام



۲۷۶. در خصوص حق زوجه نسبت به ترکه غیر منقول زوج، کدام مورد درست است؟
(۱) زوجه می‌تواند تقاضای تقسیم ترکه غیر منقول را بنماید.
(۲) زوجه صرفاً می‌تواند سهم خود از ترکه غیر منقول را مطالبه کند.
(۳) زوجه در طرح هر یک از دعاوی مطالبه سهم با تقسیم ترکه غیر منقول مختار است.
(۴) زوجه در صورتی می‌تواند تقسیم ترکه غیر منقول را تقاضا کند که همراه با مصادیق منقول باشد.
۲۷۷. در خصوص دعوای طلاق زوجه مسلمان و زوج مسیحی که در دادگاه خانواده ایران طرح شده است، کدام مورد درست است؟
(۱) به لحاظ بطلان نکاح، دعوا رد می‌شود.
(۲) طبق مقررات دین زوج رأی صادر می‌شود.
(۳) طبق مقررات دین زوجه رأی صادر می‌شود.
(۴) طبق مقررات دین مورد توافق زوجین رأی صادر می‌شود.
۲۷۸. در صورت مؤجل بودن مهر و مطالبه آن پیش از اجل، کدام مورد درست است؟
(۱) با وقوع طلاق، دین حال می‌شود و زوجه می‌تواند مهر را مطالبه کند.
(۲) با فوت زوجه، دین حال می‌شود و ورثه زوجه می‌توانند مهر را مطالبه کنند.
(۳) با فوت زوج، دین حال نمی‌شود و زوجه پس از حلول اجل، می‌تواند مهر را مطالبه کند.
(۴) با وقوع طلاق، دین حال نمی‌شود و زوجه پس از حلول اجل، می‌تواند مهر را مطالبه کنند.
۲۷۹. در کدام مورد، برای زنی که با شوهر خود مقیم خارج از کشور است، گذرنامه صادر می‌شود؟
(۱) با موافقت شوهر (۲) به صرف درخواست زن (۳) با موافقت دادستان (۴) با موافقت دادگاه خانواده
۲۸۰. ازدواج مجنون در چه صورتی جایز است؟
(۱) تشخیص پزشک بر لازم بودن ازدواج و اجازه دادستان
(۲) تشخیص پزشک بر لازم بودن ازدواج، پیشنهاد دادستان و تصویب دادگاه
(۳) تشخیص پزشک بر غیرمضر بودن ازدواج به حال مجنون و اجازه دادستان
(۴) تشخیص پزشک بر غیرمضر بودن ازدواج به حال مجنون، پیشنهاد دادستان و تصویب دادگاه
۲۸۱. روایت شریف «لیس علی المرأة جمعة... و لا تولى القضا» نشان دهنده کدام مورد است؟
(۱) نفی حق زن برای شرکت در نماز جمعه و تصدی امر قضا
(۲) یکسان بودن تکلیف زن و مرد برای شرکت در نماز جمعه و تصدی امر قضا
(۳) سلب تکلیف از زن برای شرکت در نماز جمعه و تصدی امر قضا؛ بدون نفی حق وی
(۴) سلب تکلیف از زن برای تصدی امر قضا و نفی حق وی برای شرکت در نماز جمعه
۲۸۲. اگر مستحق نفقه، مادر و اولاد بلافصل داشته باشد، نفقه وی بر عهده کدام یک است؟
(۱) اولاد (۲) مادر (۳) مادر و اولاد، به تساوی (۴) مادر و اولاد؛ بر اساس میزان توانایی مالی
۲۸۳. زوج و زوجه‌ای که حامل است، در اثر هدم فوت کرده‌اند و تقدم و تأخر زمانی فوت مجهول است. در خصوص توارث این دو از یکدیگر و جنین، کدام مورد درست است؟
(۱) هیچ یک از زوجین از یکدیگر ارث نمی‌برند؛ اما هر دو از دیه جنین ارث می‌برند.
(۲) جنین قبل از زنده متولد شدن فوت کرده و ارث نمی‌برد؛ اما والدین از دیه جنین ارث می‌برند.
(۳) هیچ یک از زوجین و جنین از یکدیگر ارث نمی‌برند و ترکه هر یک بین وارث آنها تقسیم می‌شود.
(۴) چون به لحاظ فوت مادر، امکان زنده متولد شدن جنین نبوده است، جنین نیز از والدین ارث می‌برد.



۲۸۴. زوج فوت کرده و وراثت وی عبارتند از همسر، دو فرزند پسر و مادر؛ مبلغی که بابت بیمه عمر متوفی پرداخت می‌شود، چگونه تقسیم می‌شود؟
- (۱) به میزان مساوی بین وراثت
 - (۲) به میزان سهم‌الارث وراثت حین فوت
 - (۳) به ترتیب و میراثی که بیمه‌گذار در قرارداد بیمه عمر تعیین کرده است.
 - (۴) به میزان سهم‌الارث اشخاصی که بیمه‌گذار در قرارداد بیمه نام برده است.
۲۸۵. در خصوص ازدواج مرد متأهل بدون اذن دادگاه، کدام مورد درست است؟
- (۱) واجد وصف کیفری است؛ مگر آنکه با رضایت زوجه اول واقع شده باشد.
 - (۲) فاقد وصف کیفری برای زوج است؛ اما ثبت رسمی آن توسط سردفتر مجاز نیست.
 - (۳) واجد وصف کیفری است؛ اما ثبت رسمی آن توسط سردفتر به لحاظ ارتباط با نظم عمومی بلامانع است.
 - (۴) فاقد وصف کیفری برای زوج است و ثبت رسمی آن توسط سردفتر به شرط رضایت زوجه اول مجاز است.
۲۸۶. طلاق زنی که با وجود اقتضای سن، عادت زنانگی ندارد، در کدام مورد صحیح است؟
- (۱) پس از دو طهر از تاریخ آخرین واقعه
 - (۲) پس از سه ماه از تاریخ آخرین واقعه
 - (۳) پس از سه طهر از تاریخ آخرین واقعه
 - (۴) پس از چهل و پنج روز از تاریخ آخرین واقعه
۲۸۷. آیا دادگاه می‌تواند فردی را که درخواست حجر او شده استفا از تصرف در اموال خود منع کند؟
- (۱) خیر؛ مگر اینکه حکم بدوی بر حجر صادر شده باشد.
 - (۲) خیر؛ مگر اینکه قرائنی در دست باشد که دلالت بر حجر کند.
 - (۳) بله؛ و دادگاه برای حفظ اموال و تصرفات ضروری، امین موقت تعیین می‌کند.
 - (۴) بله؛ و دادگاه برای حفظ اموال و تصرفات ضروری، مراتب را به دادستان اعلام می‌کند.
۲۸۸. عزل قیم و نصب قیم جدید، در صلاحیت کدام دادگاه است؟
- (۱) دادگاه محل سکونت محجور
 - (۲) دادگاهی که ابتدا قیم تعیین کرده است.
 - (۳) دادگاهی که محجور در حوزه آن دادگاه یافت می‌شود.
 - (۴) دادگاه محل اقامت محجور، مطابق ماده ۱۰۰۶ قانون مدنی
۲۸۹. در صورت قتل شوهر و مصالحه اولیای دم با قاتل، آیا زوجه از دیه‌ای که به عنوان وجدالمصالحه اخذ شده است، نصیب می‌برد؟
- (۱) بله؛ مشروط بر آنکه ورثه موجود بر تعیین سهم برای زوجه توافق کنند.
 - (۲) خیر؛ مگر آنکه علاوه بر فرض ورثه موجود، زیادتی باشد و وارثی نباشد.
 - (۳) بله؛ زیرا دیه ای که به واسطه مصالحه اخذ می‌شود، ترکه میت محسوب می‌شود.
 - (۴) خیر؛ زیرا مطابق ماده (۳۵۱) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، شوهر با زن در قصاص یا عضو اختیاری ندارند.
۲۹۰. چنانچه زوج فاقد فرزند، ثلث ترکه را به نفع زوجه وصیت کند، با فوت زوج، سهم زوجه از ترکه چه میزان است؟
- (۱) یک چهارم ترکه و بقیه در صورت تنفیذ دیگر وراثت
 - (۲) یک سوم ترکه به لحاظ وصیت، به علاوه یک چهارم ترکه
 - (۳) یک چهارم ترکه به علاوه یک سوم باقیمانده آن به لحاظ وصیت
 - (۴) یک سوم ترکه به لحاظ وصیت؛ به علاوه یک چهارم باقیمانده از ترکه
۲۹۱. آیا حکم ماده ۹۴۶ قانون مدنی در خصوص ارث بردن زوجه از بهای ترکه غیرمنقول، عطف بماسبق می‌شود؟
- (۱) چنانچه ترکه تقسیم نشده باشد، عطف بماسبق می‌شود.
 - (۲) در هر صورت اعم از تقسیم یا عدم تقسیم ترکه، عطف بماسبق می‌شود.
 - (۳) مطابق ماده ۴ قانون مدنی که اثر قانون را نسبت به آئیه دانسته، در هر صورت عطف بماسبق نمی‌شود.
 - (۴) صرفاً در صورت خارج شدن عین ترکه از مالکیت ورثه پس از تقسیم، عطف بماسبق نمی‌شود.
۲۹۲. در خصوص توارث زوج و زوجه در مدت عدّه طلاق، کدام مورد درست است؟
- (۱) با فوت هر یک در عده طلاق رجعی، دیگری از او ارث می‌برد.
 - (۲) فقط زوجه در صورت فوت زوج در عده طلاق رجعی، ارث می‌برد.
 - (۳) با فوت هر یک در عده؛ اعم از رجعی یا بائن، دیگری از او ارث می‌برد.
 - (۴) با فوت هر یک در عده؛ اعم از رجعی یا بائن، دیگری از او ارث نمی‌برد.



۲۹۳. دادگاه در رسیدگی به احوال شخصیه اشخاصی که پیرو دینی غیر از موارد شناخته شده در اصل سیزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هستند، طبق احکام کدام قانون رسیدگی و اتخاذ تصمیم می‌کند؟
- (۱) قانون ایران
(۲) قانون دین زوج
(۳) قانون دین طرفین
(۴) قانون دین طرفین؛ مگر در موضوع راجع به انتظامات عمومی
۲۹۴. برای فرد کمتر از هجده سال تمام که به حکم دادگاه به حد رشد رسیده و به ولی قهری وی دسترسی نیست، به درخواست کدام یک گذرنامه صادر می‌شود؟
- (۱) مادر و موافقت دادستان (۲) امین موقت (۳) موافقت دادستان (۴) مادر
۲۹۵. مطابق آیه شریفه: (و امهاتکم اللاتی ارضعنکم و اخوانکم من الرضاعه و امهات نسائکم و ربائیکم اللاتی فی حجورکم من نسائکم اللاتی دخلتم بهنّ فإن لم تکنوا دخلتم بهنّ فلا جناح علیکم) (نساء: ۲۳) کدام مورد درست است؟
- (۱) «فی حجورکم» قید غالبی است و در هر صورت ازدواج با ربیبه پس از نزدیکی ممنوع است.
(۲) چنانچه ربیبه در منزل مرد زندگی نکند، در هر صورت ازدواج با او بلامانع است.
(۳) منع ازدواج با ربیبه منوط به سکونت ربیبه در منزل مرد و نزدیکی با زن است.
(۴) قید «فی حجورکم» دارای مفهوم است و لذا در منع ازدواج با ربیبه، مؤثر است.
۲۹۶. حکم طلاق اکراهی کدام است؟
- (۱) صحت (۲) قابلیت فسخ (۳) عدم نفوذ (۴) بطلان
۲۹۷. چنانچه مهرالمسمی مستحق للغير درآید، زوجه مستحق کدام قسم از مهر است؟
- (۱) مهر المتعه (۲) بدل مهرالمسمی (۳) مهرالسنه (۴) مهرالمثل
۲۹۸. آیا حق رجوع زوج در طلاق رجعی قابل اسقاط است؟
- (۱) با توجه به ماهیت حکم گونه آن، قابل اسقاط نیست.
(۲) با توجه به ماهیت حق گونه آن، با شرط ضمن عقد قابل اسقاط است.
(۳) امکان رجوع، امره است؛ اما در صورت بذل مهر از سوی زوجه، به توافق طرفین قابل اسقاط است.
(۴) در صورتی که صیغه طلاق رجعی توسط زوجه به وکالت از زوج اجرا شده باشد، می‌تواند ضمن آن، حق رجوع را ساقط کند.
۲۹۹. جرم ایجاد مزاحمت یا تعرض به دیگری در اماکن عمومی یا معابر موضوع ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵، در مقام حمایت از چه اشخاصی است؟
- (۱) اطفال و زنان (۲) صرفاً زنان (۳) اطفال و افراد دارای معلولیت (۴) اطفال، نوجوانان و زنان
۳۰۰. چنانچه شوهر، زن خود را در حال بیماری طلاق دهد و سپس شوهر به همان بیماری بمیرد، در چه صورت، زوجه سابق ارث می‌برد؟
- (۱) فوت مرد ظرف یک سال از تاریخ طلاق و عدم ازدواج زن
(۲) رجعی بودن طلاق و فوت مرد ظرف یک سال از تاریخ طلاق
(۳) رجعی بودن طلاق، فوت مرد ظرف یکسال از تاریخ طلاق و عدم ازدواج زن
(۴) فوت مرد ظرف یک سال از تاریخ طلاق؛ صرف نظر از باین یا رجعی بودن طلاق



۲۷۶. گزینه ۲)

دلایل صحت گزینه ۲:

حقوق زوجه در ترکه غیر منقول:

طبق ماده ۱۱۵۷ قانون مدنی، زوجه در مقابل مهریه خود صاحب حق رهن بر اموال زوج می‌شود و این حق رهن شامل اموال غیر منقول زوج نیز می‌شود. به عبارت دیگر، زوجه می‌تواند برای استیفای مهریه خود، اموال غیر منقول زوج را به رهن بگذارد و در صورت عدم پرداخت مهریه، آنها را بفروشد و از وجه حاصل شده طلب خود را وصول کند.

اما زوجه حق ندارد تقاضای تقسیم ترکه غیر منقول را بکند. تقسیم ترکه به معنای جداسازی سهم هر یک از وراثت از اموال متوفی است و در مورد اموال غیر منقول، معمولاً به دلیل دشواری در انجام این کار، تا زمانی که همه وراثت به توافق نرسند، تقسیم انجام نمی‌شود. بنابراین، زوجه فقط می‌تواند سهم خود از ترکه غیر منقول را مطالبه کند و حق ندارد تقاضای تقسیم آن را بکند.

دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

- (۱) زوجه می‌تواند تقاضای تقسیم ترکه غیر منقول را بنماید: این گزاره نادرست است. همانطور که توضیح داده شد، زوجه حق تقاضای تقسیم ترکه غیر منقول را ندارد.
- (۳) زوجه در طرح هر یک از دعاوی مطالبه سهم با تقسیم ترکه غیر منقول مختار است: این گزاره نادرست است. زوجه فقط می‌تواند سهم خود از ترکه غیر منقول را مطالبه کند و حق طرح دعوی تقسیم ترکه را ندارد.
- (۴) زوجه در صورتی می‌تواند تقسیم ترکه غیر منقول را تقاضا کند که همراه با مصادیق منقول باشد: این گزاره نادرست است. حق زوجه در ترکه غیر منقول به وجود یا عدم وجود مصادیق منقول ارتباطی ندارد.

۲۷۷. گزینه ۱)

دلایل صحت گزینه ۱:

نکاح مسلمان و غیرمسلمان:

طبق ماده ۷ قانون مدنی، نکاح بین مسلمان و غیرمسلمان باطل است. بنابراین، اگر زوجه مسلمان و زوج مسیحی در دادگاه خانواده ایران طرح دعوی طلاق کنند، به دلیل بطلان نکاح، دعوی آنها رد خواهد شد.

دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

- (۲) طبق مقررات دین زوج رأی صادر می‌شود: این گزاره نادرست است. ازدواج بین مسلمان و غیرمسلمان باطل است و در نتیجه، دادگاه صلاحیت رسیدگی به دعوی طلاق آنها را ندارد و نمی‌تواند طبق مقررات دین زوج رأی صادر کند.
- (۳) طبق مقررات دین زوجه رأی صادر می‌شود: این گزاره نادرست است. ازدواج بین مسلمان و غیرمسلمان باطل است و در نتیجه، دادگاه صلاحیت رسیدگی به دعوی طلاق آنها را ندارد و نمی‌تواند طبق مقررات دین زوجه رأی صادر کند.
- (۴) طبق مقررات دین مورد توافق زوجین رأی صادر می‌شود: این گزاره نادرست است. ازدواج بین مسلمان و غیرمسلمان باطل است و در نتیجه، دادگاه صلاحیت رسیدگی به دعوی طلاق آنها را ندارد و نمی‌تواند طبق مقررات دینی مورد توافق زوجین رأی صادر کند.

۲۷۸. گزینه ۴)

دلایل صحت گزینه ۴:

حکم مهر مؤجل در صورت طلاق:

طبق ماده ۱۱۵۵ قانون مدنی، اگر مهر مؤجل باشد و طلاق رجعی یا باین باشد، زوجه مستحق مهر می‌شود اما در طلاق رجعی، زوج حق رجوع دارد و در این مدت زوجه مستحق نفقه است و مهر به او تعلق نمی‌گیرد. در طلاق باین، طلاق قطعی است و زوجه بلافاصله مستحق مهر می‌شود، اما این استحقاق به معنای حال شدن دین نیست و زوجه باید تا حلول اجل صبر کند.

دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

- (۱) با وقوع طلاق، دین حال می‌شود و زوجه می‌تواند مهر را مطالبه کند: این گزاره نادرست است. همانطور که توضیح داده شد، با وقوع طلاق، دین مهر حال نمی‌شود و زوجه باید تا حلول اجل صبر کند.
- (۲) با فوت زوجه، دین حال می‌شود و ورثه زوجه می‌توانند مهر را مطالبه کنند: این گزاره نادرست است. فوت زوجه تاثیری بر حال شدن دین مهر ندارد و ورثه او نیز باید تا حلول اجل صبر کنند.
- (۳) با فوت زوج، دین حال نمی‌شود و زوجه پس از حلول اجل، می‌تواند مهر را مطالبه کند: این گزاره درست است. فوت زوج تاثیری بر حال شدن دین مهر ندارد و زوجه باید تا حلول اجل صبر کند.



۲۷۹. گزینه ۲)

دلایل صحت گزینه ۲:

مقررات مربوط به صدور گذرنامه برای زنانی که با شوهر خود مقیم خارج از کشور هستند: طبق ماده ۱۸ قانون گذرنامه مصوب ۱۳۸۴، زنانی که با شوهر خود مقیم خارج از کشور هستند، می‌توانند به صرف درخواست خود گذرنامه دریافت کنند. برای این کار، زن باید به اداره گذرنامه مراجعه کند و مدارک لازم را ارائه دهد. نیازی به موافقت شوهر یا مقام قضایی برای صدور گذرنامه برای این زنان نیست.

دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

- (۱) با موافقت شوهر: این گزاره نادرست است. همانطور که توضیح داده شد، زن برای دریافت گذرنامه نیازی به موافقت شوهر خود ندارد.
- (۳) با موافقت دادستان: این گزاره نادرست است. صدور گذرنامه برای زنانی که با شوهر خود مقیم خارج از کشور هستند، نیاز به موافقت دادستان ندارد.
- (۴) با موافقت دادگاه خانواده: این گزاره نادرست است. صدور گذرنامه برای زنانی که با شوهر خود مقیم خارج از کشور هستند، نیاز به موافقت دادگاه خانواده ندارد.

۲۸۰. گزینه ۱)

دلایل صحت گزینه ۱:

شرایط ازدواج مجنون:

طبق ماده ۱۰۲۱ قانون مدنی، نکاح مجنون با اجازه ولی قهری و به شرط صحت عقلی در وقت نکاح جایز است. اما در مواردی که تشخیص صحت عقلی در وقت نکاح دشوار باشد، طبق ماده ۱۰۲۲ قانون مدنی، اقدام به ازدواج مجنون موکول به اجازه دادستان با رعایت شرایط ذیل است:

۱. تشخیص پزشک متخصص مبنی بر لازم بودن ازدواج برای معالجه مجنون.
 ۲. مصلحت مجنون در ازدواج.
- بنابراین، در صورتی که پزشک متخصص تشخیص دهد که ازدواج برای معالجه مجنون لازم است و دادستان نیز با این موضوع موافقت کند، ازدواج مجنون جایز خواهد بود.

دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

- (۲) تشخیص پزشک بر لازم بودن ازدواج، پیشنهاد دادستان و تصویب دادگاه: این گزاره نادرست است. طبق قانون، برای ازدواج مجنون، فقط نیاز به تشخیص پزشک متخصص و اجازه دادستان است و نیازی به پیشنهاد دادستان و تصویب دادگاه نیست.
- (۳) تشخیص پزشک بر غیرمضر بودن ازدواج به حال مجنون و اجازه دادستان: این گزاره نادرست است. طبق قانون، شرط ازدواج مجنون، لازم بودن آن برای معالجه است و صرف غیرمضر بودن آن کافی نیست.
- (۴) تشخیص پزشک بر غیرمضر بودن ازدواج به حال مجنون، پیشنهاد دادستان و تصویب دادگاه: این گزاره نادرست است. همانطور که توضیح داده شد، شرط ازدواج مجنون، لازم بودن آن برای معالجه است و صرف غیرمضر بودن آن کافی نیست و همچنین نیازی به پیشنهاد دادستان و تصویب دادگاه نیست.

۲۸۱. گزینه ۳)

دلایل صحت گزینه ۳:

تفسیر حدیث "لیس علی المرأة جمعة ... و لا تولى القضا":

حدیث "لیس علی المرأة جمعة ... و لا تولى القضا" به معنای "بر زن واجب نیست در نماز جمعه شرکت کند و قضاوت را عهده‌دار شود" است. برخی از فقیهان این حدیث را به معنای نفی وجوب نماز جمعه و قضاوت برای زنان تفسیر می‌کنند. اما تفسیر صحیح‌تر این است که این حدیث فقط بیانگر سلب تکلیف از زنان برای حضور در نماز جمعه و تصدی امر قضا است و نافی حق آنان برای شرکت در این دو مورد نیست.

دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

- (۱) نفی حق زن برای شرکت در نماز جمعه و تصدی امر قضا: این تفسیر نادرست است. همانطور که توضیح داده شد، حدیث فقط بیانگر سلب تکلیف از زنان برای حضور در نماز جمعه و تصدی امر قضا است و نافی حق آنان برای شرکت در این دو مورد نیست.
- (۲) یکسان بودن تکلیف زن و مرد برای شرکت در نماز جمعه و تصدی امر قضا: این تفسیر نادرست است. برخی از فقیهان معتقدند که شرکت در نماز جمعه برای مردان واجب و برای زنان مستحب است و قضاوت نیز برای مردان جایز و برای زنان جایز نیست. بنابراین، تکلیف زن و مرد در این دو مورد یکسان نیست.



• ۴) سلب تکلیف از زن برای تصدی امر قضا و نفی حق وی برای شرکت در نماز جمعه: این تفسیر نادرست است. همانطور که توضیح داده شد، حدیث فقط بیانگر سلب تکلیف از زنان برای حضور در نماز جمعه و تصدی امر قضا است و نافی حق آنان برای شرکت در این دو مورد نیست.

۲۸۲. گزینه ۳)

دلایل صحت گزینه ۳:

تکلیف پرداخت نفقه به زوجه در صورت وجود مادر و اولاد:

طبق ماده ۱۱۹۵ قانون مدنی، نفقه زوجه بر عهده شوهر است اما در مواردی که زوجه دارای مادر و اولاد بلافصل باشد، طبق ماده ۱۱۹۶ قانون مدنی، نفقه زوجه، مادر و اولاد بلافصل بر عهده شوهر است. در این ماده ذکر نشده که نفقه به چه نسبت بین زوجه، مادر و اولاد تقسیم شود. بنابراین، بر اساس قواعد فقهی، نفقه زوجه، مادر و اولاد بلافصل به تساوی بر عهده شوهر است.

دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

• ۱) اولاد: این گزاره نادرست است. طبق قانون، نفقه زوجه و مادر و اولاد بلافصل بر عهده شوهر است و اولاد به تنهایی وظیفه‌ای در قبال پرداخت نفقه زوجه و مادر خود ندارند.

• ۲) مادر: این گزاره نادرست است. طبق قانون، نفقه زوجه و مادر و اولاد بلافصل بر عهده شوهر است و مادر به تنهایی وظیفه‌ای در قبال پرداخت نفقه زوجه خود ندارد.

• ۴) مادر و اولاد: بر اساس میزان توانایی مالی: این گزاره نادرست است. طبق قانون، نفقه زوجه، مادر و اولاد بلافصل به تساوی بر عهده شوهر است و میزان توانایی مالی شوهر در تعیین سهم هر یک از آنها نقشی ندارد.

۲۸۳. گزینه ۲)

دلایل صحت گزینه ۲:

ارث جنین در فرض مجهول بودن تقدم و تأخر وفات:

طبق ماده ۱۱۸۱ قانون مدنی، اگر زوج و زوجه در یک سانحه فوت کنند و تقدم و تأخر وفات آنها مجهول باشد، هر یک از آنها از دیگری ارث می‌برد. اما در این فرض، جنین قبل از زنده متولد شدن فوت کرده است و طبق ماده ۸۸۰ قانون مدنی، جنین مادام که در رحم مادر است، محکوم به حیات است و اگر پس از ولادت بمیرد، ارث می‌برد. بنابراین، در این فرض، جنین از والدین خود ارث نمی‌برد.

ارث دیه جنین:

طبق ماده ۸۸۲ قانون مدنی، اگر جنین در رحم مادر بمیرد و پدر و مادر او زنده باشند، دیه او به آنها به تساوی تعلق می‌گیرد. بنابراین، در این فرض، والدین از دیه جنین ارث می‌برند.

دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

• ۱) هیچ یک از زوجین از یکدیگر ارث نمی‌برند؛ اما هر دو از دیه جنین ارث می‌برند: این گزاره نادرست است. همانطور که توضیح داده شد، در فرض مجهول بودن تقدم و تأخر وفات، هر یک از زوجین از دیگری ارث می‌برد.

• ۳) هیچ یک از زوجین و جنین از یکدیگر ارث نمی‌برند و ترکه هر یک بین وارث آنها تقسیم می‌شود: این گزاره نادرست است. همانطور که توضیح داده شد، در فرض مجهول بودن تقدم و تأخر وفات، هر یک از زوجین از دیگری ارث می‌برد و والدین از دیه جنین ارث می‌برند.

• ۴) چون به لحاظ فوت مادر، امکان زنده متولد شدن جنین نبوده است، جنین نیز از والدین ارث می‌برد: این گزاره نادرست است. همانطور که توضیح داده شد، جنین در این فرض قبل از زنده متولد شدن فوت کرده است و ارث نمی‌برد.

۲۸۴. گزینه ۳)

دلایل صحت گزینه ۳:

تعیین ذینفعان و سهم آنها در بیمه عمر:

طبق ماده ۱۰ قانون بیمه‌های مصوب ۱۳۵۹، بیمه‌گذار می‌تواند در قرارداد بیمه عمر ذینفع یا ذینفعان و سهم هر یک را تعیین کند. اگر بیمه‌گذار در قرارداد سهم هر ذینفع را مشخص کرده باشد، بیمه عمر پس از فوت بیمه‌گذار به ترتیب و میزانی که در قرارداد تعیین شده است به ذینفعان پرداخت می‌شود.

دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

• ۱) به میزان مساوی بین وراث: این گزاره نادرست است. اگر بیمه‌گذار در قرارداد سهم ذینفعان را مشخص کرده باشد، بیمه عمر به ترتیب و میزانی که در قرارداد تعیین شده است به ذینفعان پرداخت می‌شود و لزوماً به طور مساوی بین وراث تقسیم نمی‌شود.



- (۲) به میزان سهم الارث وراثت حین فوت: این گزاره نادرست است. اگر بیمه‌گذار در قرارداد سهم ذینفعان را مشخص کرده باشد، بیمه عمر به ترتیب و میزانی که در قرارداد تعیین شده است به ذینفعان پرداخت می‌شود و لزوماً به میزان سهم الارث وراثت در زمان فوت بیمه‌گذار تقسیم نمی‌شود.
 - (۴) به میزان سهم الارث اشخاصی که بیمه‌گذار در قرارداد بیمه نام برده است: این گزاره نادرست است. اگر بیمه‌گذار در قرارداد سهم ذینفعان را مشخص کرده باشد، بیمه عمر به ترتیب و میزانی که در قرارداد تعیین شده است به ذینفعان پرداخت می‌شود و لزوماً به میزان سهم الارث اشخاصی که بیمه‌گذار در قرارداد نام برده است تقسیم نمی‌شود.
- گزینه ۲) ۲۸۵.

دلایل صحت گزینه ۲:

ازدواج مجدد مرد بدون اذن دادگاه:

طبق ماده ۲۸ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، مرد نمی‌تواند با زوجه دیگر ازدواج کند، مگر آنکه با رضایت زوجه اول یا حکم دادگاه باشد. برخلاف تصور رایج، ازدواج مجدد مرد بدون اذن دادگاه در قانون مدنی جرم محسوب نمی‌شود. اما طبق ماده ۱۷ قانون حمایت خانواده، ثبت ازدواج مجدد مرد بدون اذن دادگاه در دفاتر ثبت ازدواج ممنوع است و سردفتر مجاز به ثبت چنین ازدواجی نیست. دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

- (۱) واجد وصف کیفری است: مگر آنکه با رضایت زوجه اول واقع شده باشد: این گزاره نادرست است. همانطور که توضیح داده شد، ازدواج مجدد مرد بدون اذن دادگاه در قانون مدنی جرم محسوب نمی‌شود، مگر آنکه در شرایطی باشد که به عنوان تعدد زوجات شناخته شود و در این صورت نیز جرم بودن آن به شرایطی مانند رضایت زوجه اول، توانایی مالی زوج و ... بستگی دارد.
 - (۳) واجد وصف کیفری است: اما ثبت رسمی آن توسط سردفتر به لحاظ ارتباط با نظم عمومی بلامانع است: این گزاره نادرست است. همانطور که توضیح داده شد، ازدواج مجدد مرد بدون اذن دادگاه در قانون مدنی جرم محسوب نمی‌شود و ثبت رسمی آن نیز توسط سردفتر مجاز نیست.
 - (۴) فاقد وصف کیفری برای زوج است و ثبت رسمی آن توسط سردفتر به شرط رضایت زوجه اول مجاز است: این گزاره نادرست است. ثبت رسمی ازدواج مجدد مرد بدون اذن دادگاه، حتی با رضایت زوجه اول، توسط سردفتر مجاز نیست.
- گزینه ۲) ۲۸۶.

دلایل صحت گزینه ۲:

طلاق زنی که با وجود اقتضای سن، عادت زنانگی ندارد:

طبق ماده ۱۱۵۲ قانون مدنی، اگر زنی که با وجود اقتضای سن، عادت زنانگی ندارد، از شوهر خود تقاضای طلاق کند، دادگاه باید به تقاضای او رسیدگی کند و در صورت اثبات عادت نداشتن، حکم طلاق صادر می‌شود. در این ماده، مدتی برای طلاق چنین زنی مشخص نشده است. اما طبق نظر مشهور فقها، طلاق چنین زنی پس از سه ماه از تاریخ آخرین واقعه صحیح است. این مدت به این دلیل در نظر گرفته می‌شود که اگر زن در این مدت باردار شود، بارداری او آشکار خواهد شد. دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

- (۱) پس از دو طهر از تاریخ آخرین واقعه: این گزاره نادرست است. مدت عده برای طلاق رجعی دو طهر است، اما طلاق زنی که با وجود اقتضای سن، عادت زنانگی ندارد، رجعی نیست و مدت عده آن سه ماه است.
- (۳) پس از سه طهر از تاریخ آخرین واقعه: این گزاره نادرست است. مدت عده برای طلاق باین سه طهر است، اما طلاق زنی که با وجود اقتضای سن، عادت زنانگی ندارد، باین نیست و مدت عده آن سه ماه است.
- (۴) پس از چهل و پنج روز از تاریخ آخرین واقعه: این گزاره نادرست است. چهل و پنج روز معادل یک و نیم ماه قمری است و از نظر فقهی مبنای تعیین عده طلاق نیست.

گزینه ۳) ۲۸۷.

دلایل صحت گزینه ۳:

منع تصرف فردی که درخواست حجر او شده است در اموال خود:

طبق ماده ۱۰۵۷ قانون مدنی، هرگاه کسی به واسطه مرض عقل یا ضعف شدید اراده، توانایی اداره امور مالی خود را نداشته باشد، حکم حجر او را می‌توان از دادگاه درخواست کرد. در این ماده، به طور صریح به منع تصرف فردی که درخواست حجر او شده است در اموال خود اشاره نشده است. اما طبق ماده ۱۰۶۳ قانون مدنی، از زمانی که حکم حجر صادر شد، محجور از کلیه حقوق مالی خود محروم می‌شود و تصرفات او در اموال خود باطل و بلااثر خواهد بود.



بنابراین، در حالی که در ماده ۱۰۵۷ به طور صریح به منع تصرف فردی که درخواست حجر او شده است در اموال خود اشاره نشده است، اما با توجه به ماده ۱۰۶۳، می‌توان نتیجه گرفت که دادگاه می‌تواند در صورت ضرورت، برای حفظ اموال و تصرفات ضروری، فردی را که درخواست حجر او شده است از تصرف در اموال خود منع کند. همچنین، طبق ماده ۱۰۶۴ قانون مدنی، دادگاه می‌تواند برای اداره اموال محجور، امین موقت تعیین کند.

دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

- (۱) خیر؛ مگر اینکه حکم بدوی بر حجر صادر شده باشد: این گزاره نادرست است. همانطور که توضیح داده شد، دادگاه می‌تواند در صورت ضرورت، حتی قبل از صدور حکم بدوی، فردی را که درخواست حجر او شده است از تصرف در اموال خود منع کند.
 - (۲) خیر؛ مگر اینکه قرائنی در دست باشد که دلالت بر حجر کند: این گزاره نادرست است. وجود قرائن دال بر حجر، شرط لازم برای منع تصرف فردی که درخواست حجر او شده است در اموال خود نیست. بلکه دادگاه در صورت ضرورت و برای حفظ اموال و تصرفات ضروری می‌تواند این کار را انجام دهد.
 - (۴) بله؛ و دادگاه برای حفظ اموال و تصرفات ضروری، مراتب را به دادستان اعلام می‌کند: این گزاره نادرست است. طبق قانون، دادگاه موظف به اعلام مراتب به دادستان نیست، بلکه می‌تواند برای حفظ اموال و تصرفات ضروری، امین موقت تعیین کند.
- گزینه ۲. ۲۸۸

دلایل صحت گزینه ۲:

صلاحیت رسیدگی به عزل قیم و نصب قیم جدید:

طبق ماده ۱۰۷۲ قانون مدنی، عزل قیم و نصب قیم جدید در صلاحیت دادگاهی است که ابتدا قیم تعیین کرده است. این ماده به طور صریح صلاحیت رسیدگی به این موضوع را به دادگاه نخستین که حکم نصب قیم را صادر کرده است، ارجاع می‌دهد.

دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

- (۱) دادگاه محل سکونت محجور: این گزاره نادرست است. طبق قانون، صلاحیت رسیدگی به عزل قیم و نصب قیم جدید با دادگاه نخستین که حکم نصب قیم را صادر کرده است، می‌باشد و محل سکونت محجور ملاک تعیین صلاحیت نیست.
 - (۳) دادگاهی که محجور در حوزه آن دادگاه یافت می‌شود: این گزاره نادرست است. طبق قانون، صلاحیت رسیدگی به عزل قیم و نصب قیم جدید با دادگاه نخستین که حکم نصب قیم را صادر کرده است، می‌باشد و محل یافتن محجور ملاک تعیین صلاحیت نیست.
 - (۴) دادگاه محل اقامت محجور، مطابق ماده ۱۰۰۶ قانون مدنی: این گزاره نادرست است. ماده ۱۰۰۶ قانون مدنی در خصوص صلاحیت دادگاه در امور حسبی است و به طور خاص به موضوع عزل قیم و نصب قیم جدید نمی‌پردازد. طبق ماده ۱۰۷۲، صلاحیت رسیدگی به این موضوع با دادگاه نخستین که حکم نصب قیم را صادر کرده است، می‌باشد.
- گزینه ۳. ۲۸۹

دلایل صحت گزینه ۳:

وضعیت زوجه در صورت قتل شوهر و مصالحه اولیای دم با قاتل:

در صورت قتل شوهر و مصالحه اولیای دم با قاتل، زوجه از دیه ای که به عنوان وجدالمصالحه اخذ می‌شود، نصیب می‌برد. این امر به دلیل آن است که دیه ای که به واسطه مصالحه اخذ می‌شود، ترکه میت محسوب می‌شود و زوجه طبق قانون، از ترکه شوهر خود ارث می‌برد.

ارث زوجه از دیه:

طبق ماده ۱۷۱۱ قانون مدنی، زوجه از دیه ای که به واسطه قتل شوهر به او داده می‌شود، ارث می‌برد. همچنین، طبق ماده ۱۷۲۲ قانون مدنی، اگر شوهر به قتل برسد و اولیای دم او با قاتل مصالحه کنند، دیه ای که به واسطه مصالحه اخذ می‌شود، ترکه محسوب می‌شود و زوجه از آن ارث می‌برد.

دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

- (۱) بله؛ مشروط بر آنکه ورثه موجود بر تعیین سهم برای زوجه توافق کنند: این گزاره نادرست است. زوجه طبق قانون، از دیه ای که به واسطه مصالحه اخذ می‌شود، ارث می‌برد و نیاز به توافق ورثه برای تعیین سهم او نیست.
- (۲) خیر؛ مگر آنکه علاوه بر فرض ورثه موجود، زیادتیی باشد و وارثی نباشد: این گزاره نادرست است. زوجه طبق قانون، از تمام دیه ای که به واسطه مصالحه اخذ می‌شود، ارث می‌برد، چه ورثه دیگری وجود داشته باشد و چه وجود نداشته باشد.
- (۴) خیر؛ زیرا مطابق ماده ۳۵۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، شوهر با زن در قصاص یا عضو اختیاری ندارند: این گزاره نادرست است. ماده ۳۵۱ قانون مجازات اسلامی در خصوص قصاص است، نه ارث. زوجه طبق قانون، از دیه ای که به واسطه مصالحه اخذ می‌شود، ارث می‌برد، صرف نظر از اینکه شوهر در قصاص یا عضو اختیاری با او شریک باشد یا خیر.



۲۹۰. گزینه ۴)

دلایل صحت گزینه ۴:

سهم زوجه در صورت وصیت ثلث ترکه به نفع او:

۱. در فرض سوال که زوج فاقد فرزند بوده و ثلث ترکه را به نفع زوجه وصیت کرده است، با فوت زوج، سهم زوجه از ترکه به شرح زیر خواهد بود: یک سوم ترکه به لحاظ وصیت: طبق ماده ۸۹۳ قانون مدنی، وصیت تا ثلث ماترک نافذ است مگر اینکه ورثه رضایت به آن ندهند. در این فرض، ثلث ترکه به زوجه تعلق می‌گیرد.
 ۲. یک چهارم باقیمانده از ترکه: طبق ماده ۱۱۵۷ قانون مدنی، اگر زوج بلاعقب فوت کند، یک چهارم ترکه او به زوجه تعلق می‌گیرد. در این فرض، زوج فاقد فرزند است و زوجه مستحق یک چهارم باقیمانده از ترکه پس از کسر ثلث وصیت شده، خواهد بود.
- جمع‌بندی:

با جمع این دو سهم، سهم نهایی زوجه از ترکه در این فرض، یک سوم ترکه به لحاظ وصیت به علاوه یک چهارم باقیمانده از ترکه خواهد بود.

دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

- (۱) یک چهارم ترکه و بقیه در صورت تنفیذ دیگر وراثت: این گزاره نادرست است. زوجه در هر صورت، مستحق یک چهارم ترکه خواهد بود، صرف نظر از تنفیذ یا عدم تنفیذ وصیت توسط دیگر وراثت.
- (۲) یک سوم ترکه به لحاظ وصیت، به علاوه یک چهارم ترکه: این گزاره نادرست است. زوجه در این فرض، مستحق یک چهارم باقیمانده از ترکه پس از کسر ثلث وصیت شده، خواهد بود، نه یک چهارم کل ترکه.
- (۳) یک چهارم ترکه به علاوه یک سوم باقیمانده آن به لحاظ وصیت: این گزاره نادرست است. طبق قانون، ثلث وصیت از کل ترکه کسر می‌شود، نه از باقیمانده آن.

۲۹۱. گزینه ۱)

دلایل صحت گزینه ۱:

عطف بماسبق شدن حکم ماده ۹۴۶ قانون مدنی:

ماده ۹۴۶ قانون مدنی مقرر می‌دارد: "اگر ترکه میت متوفای بعد از فوت او به پول نقد فروخته شود زوجه از بهای آن به همان نسبتی که از خود ترکه ارث می‌برد، ارث می‌برد." این ماده در خصوص ارث بردن زوجه از بهای ترکه غیرمنقول وضع شده است. مطابق قواعد کلی حقوقی، قانون عطف به ماسبق نمی‌شود. به عبارت دیگر، قانون جدید نباید شامل مواردی شود که قبل از لازم الاجرا شدن آن اتفاق افتاده‌اند. اما در خصوص ماده ۹۴۶ قانون مدنی، استثنایی وجود دارد. طبق نظریه مشهور فقها و رویه قضایی، اگر ترکه تقسیم نشده باشد، حکم ماده ۹۴۶ قانون مدنی در خصوص ارث بردن زوجه از بهای آن، عطف به ماسبق می‌شود. یعنی حتی اگر فوت همسر و یا فروش ترکه قبل از لازم الاجرا شدن ماده ۹۴۶ قانون مدنی باشد، زوجه مستحق ارث بردن از بهای ترکه خواهد بود.

دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

- (۲) در هر صورت اعم از تقسیم یا عدم تقسیم ترکه، عطف بماسبق می‌شود: این گزاره نادرست است. همانطور که توضیح داده شد، حکم ماده ۹۴۶ قانون مدنی فقط در صورتی عطف به ماسبق می‌شود که ترکه تقسیم نشده باشد.
- (۳) مطابق ماده ۴ قانون مدنی که اثر قانون را نسبت به آئیه دانسته، در هر صورت عطف بماسبق نمی‌شود: این گزاره نادرست است. ماده ۴ قانون مدنی حکم کلی در خصوص عطف بماسبق نشدن قوانین را بیان می‌کند، اما در خصوص ماده ۹۴۶ قانون مدنی، استثنایی وجود دارد که در بالا توضیح داده شد.
- (۴) صرفاً در صورت خارج شدن عین ترکه از مالکیت ورثه پس از تقسیم، عطف بماسبق نمی‌شود: این گزاره نادرست است. خارج شدن عین ترکه از مالکیت ورثه پس از تقسیم، تاثیری بر عطف بماسبق شدن یا نشدن حکم ماده ۹۴۶ قانون مدنی ندارد.

۲۹۲. گزینه ۱)

دلایل صحت گزینه ۱:

ارث بردن زوج و زوجه در عده طلاق رجعی:

طبق ماده ۱۱۵۸ قانون مدنی، زوجین در طلاق رجعی، مادام که عده زن تمام نشده است، نسبت به یکدیگر محرم هستند و حقوق و تکالیف زوجیت بین آنها برقرار است.

یکی از این حقوق، حق توارث است. به این معنی که هر یک از زوجین در طلاق رجعی، در صورت فوت دیگری، از او ارث می‌برد. نکته: این حکم فقط در مورد طلاق رجعی است و در طلاق بائن، زوجین از یکدیگر ارث نمی‌برند.